

عنوان مقاله:

رابطه هوش سیاسی و خود کارآمدی اجتماعی با نقش میانجی هوش فرهنگی در بین معلمان دوره دوم متوسطه شهرستان استهبان

محل انتشار:

ششمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

شیوا نظری - دانشجویی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه پیام نور واحد تفت،

اکبر ذوالفقاری - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

ناصر محمدی احمدآبادی - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

هدف کلی این پژوهش، بررسی تعیین رابطه بین هوش سیاسی و خود کارآمدی اجتماعی با نقش میانجی هوش فرهنگی در بین معلمان دوره دوم متوسطه شهرستان استهبان، انجام پذیرفته است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه معلمان دوره متوسطه دوم شهرستان استهبان بوده است. معیار ارزیابی از طریق سه پرسشنامه هوش سیاسی دوستار و همکاران (۱۳۹۳) و پرسشنامه خود کارآمدی اجتماعی اسمیت و بتز (۲۰۰۰) و پرسشنامه استاندارد هوش فرهنگی آنگ و ارلی (۲۰۰۳) بوده است. گروه نمونه گیری با روش نمونه تصادفی خوشه ای انجام شد. بدین صورت که به طور تصادف ۹ مدرسه را انتخاب در هر کدام حدود ۱۰ معلم انتخاب که در مجموع ۸۹ معلم به صورت نمونه مورد پیمایش قرار گرفتند. برای تحلیل داده ها از آزمونهای توصیفی و آزمون های استنباطی از جمله تحلیل مسیر بر اساس مدل ساختاری استفاده گردید. یافته ها تحقیقات حاضر تأثیر استفاده از هوش سیاسی بر خود کارآمدی اجتماعی با نقش میانجی هوش فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج از همه پیش بینی ها پشتیبانی می کند و درک کاملی از ارتباط بین استفاده از هوش سیاسی و خودکارآمدی اجتماعی و هوش فرهنگی در اختیار ما قرار می دهد. این تحقیقات نشان می دهد که استفاده از هوش سیاسی بر خود کارآمدی اجتماعی و هوش فرهنگی معلمان تأثیر می گذارد. اولین هدف هوش سیاسی بر رشد خود کار آمدی اجتماعی تأثیر می گذارد. علاوه بر این هوش فرهنگی نقش میانجی بین استفاده از هوش سیاسی و خودکارآمدی اجتماعی بوده است. علاوه بر این، نتیجه نشان می دهد که هوش سیاسی نیز باهوش فرهنگی مرتبط است. این یافته با معادلات ساختاری روابط دوجانبه بین هوش سیاسی و هوش فرهنگی پشتیبانی می کند.

کلمات کلیدی:

هوش سیاسی، خود کار آمدی اجتماعی، هوش فرهنگی، معلمان.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1122966>

